

بررسی اثر مالیات بر ارزش افزوده بر توزیع درآمد

در کشورهای منتخب

نارسیس امین رشتی^۱

مژگان رفعت میلانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۸

چکیده

مالیات بر ارزش افزوده به دلیل گستردگی در پایه‌های مالیاتی از جمله مالیات‌هایی است که درآمد بالایی را برای دولت‌ها به همراه دارد. از آنجا که این نوع مالیات بر پایه هزینه وضع می‌شود، نرخ آن از نوع تنازلی است و انتظار می‌رود فشار بیشتری را بر گروه فقیر جامعه وارد نموده و شرایط توزیعی را نابرابرتر کند. از این رو در این مطالعه ۲۰ کشور منتخب طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ مورد بررسی قرار گرفته‌اند و از ضریب جینی به عنوان شاخص نابرابری استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل بر مبنای روش اقتصادسنجی با استفاده از روش پانل دیتا و استفاده از نرم افزار EViews است. از آنجایی که در این مطالعه جامعه همگن و برابر مورد نظر بوده، مدل برآورد شده برای ۱۰ کشور با درآمد بالا و ۱۰ کشور با درآمد پایین تخمین زده شده است. نتایج نشان می‌دهد که در کشورهای کم درآمد، با افزایش سهم مالیات بر ارزش افزوده از مالیات، ضریب جینی افزایش می‌یابد و در نتیجه نابرابری در آمد بیشتر می‌شود. اما در کشورهای پر درآمد، با افزایش سهم مالیات بر ارزش افزوده از مالیات، ضریب جینی کاهش می‌یابد و در نتیجه نابرابری در آمد کمتر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مالیات بر ارزش افزوده، توزیع درآمد، ضریب جینی، مدل پانل دیتا

۱- دکترای اقتصاد، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی narsis.aminrashti@gmail.com

۲- کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی mozhgan.milani@gmail.com

۱- مقدمه

هر کشوری به منظور بهبود ساختار اقتصادی و ثبات، نیازمند درآمدهای پایدار و دائمی است که می تواند موفقیت دولت را در برنامه ریزی و سیاست گذاری های بلندمدت افزایش دهد. در بین انواع منابع دولت، مالیات، به عنوان منبع دائمی و قابل پیش بینی، همواره مورد توجه دولتمردان بوده است. اعمال مالیات چه به جهت کسب درآمد و چه به منظور ابزاری جهت سیاست گذاری، آثار متفاوتی را بر اقتصاد، تحمیل می کند. مالیات ها از یک سو، با توجه به اصابت مالیاتی بر شرایط توزیعی جامعه تأثیرگذار هستند و از سوی دیگر با جابجایی منابع از بازاری به بازار دیگر، آثار تخصیصی را به همراه دارند. یکی از این نوع مالیات ها که در کشورهای توسعه یافته و برخی از کشورهای در حال توسعه در حال اجرا است، مالیات بر ارزش افزوده است.

این مالیات، نوعی مالیات بر فروش چند مرحله ای است که خرید کالاها و خدمات واسطه ای را از پرداخت مالیات معاف می کند. خصوصیات سیستماتیک این مالیات می تواند بسیاری از مشکلات اقتصادی جامعه مانند کسری بودجه دولت، کمبود سرمایه گذاری و مواردی از این قبیل را بر طرف نماید (طهماسبی بلدچی و دیگران، ۱۳۸۳).

از آنجا که این نوع مالیات بر پایه هزینه وضع می شود، نرخ آن از نوع تنازلی است و انتظار بر این است که فشار بیشتری را به گروه فقیر جامعه وارد و شرایط توزیعی را نابرابرتر کند. لذا می توان نتیجه گرفت که این مالیات می تواند بر نحوه توزیع درآمد اثر گذار باشد بالاخص در شرایطی که مالیات فوق بر کالاها و خدمات ضروری که عمدتاً دارای کشش قیمتی تقاضای پایینی هستند وضع شود.

بنابراین عمده ترین معضلی که در رابطه با این سیستم مالیاتی به چشم می خورد، خاصیت تنازلی آن است و از آن جا که توزیع عادلانه درآمد یکی از هدف های اقتصاد کلان و از مهمترین دغدغه های دولت ها بوده است، اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق را روشن می سازد. لذا هدف از این مقاله، بررسی اثر مالیات بر ارزش افزوده بر توزیع درآمد است.

قسمت های مختلف این مقاله به شرح زیر است:

بخش اول به مبانی نظری مالیات بر ارزش افزوده و توزیع درآمد می پردازد. بخش دوم به مطالعات انجام شده در داخل و خارج در این خصوص، اختصاص دارد. بخش سوم روند متغیرهای به کار رفته در مدل را بررسی می نماید. بخش چهارم به برآورد مدل با استفاده از پانل دیتا می پردازد و در نهایت، بخش پایانی، به نتیجه گیری پیشنهادات اختصاص دارد.

۲- مبانی نظری

مالیات بر ارزش افزوده رایج‌ترین مالیات در دنیای امروز محسوب می‌شود، لذا قبل از هر موضوعی باید تعریف ارزش افزوده و مالیات بر ارزش افزوده مشخص شود.

(معاملات واسطه‌ای - کل معاملات) = ارزش افزوده

با توجه به تعریف مذکور، مالیات بر ارزش افزوده عبارت است از:

نوعی مالیات چند مرحله‌ای که در مراحل مختلف زنجیره تولید- توزیع بر اساس درصدی از ارزش افزوده کالاهای تولیدی یا خدمات ارائه شده اخذ می‌شود. این مالیات در واقع نوعی مالیات بر فروش چند مرحله‌ای است که خرید کالاها و خدمات واسطه‌ای را از پرداخت مالیات معاف می‌کند. معمولاً مالیات بر ارزش افزوده به سه دسته تقسیم می‌شود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۳):

مالیات بر ارزش افزوده از نوع تولیدی^۱، مالیات بر ارزش افزوده از نوع درآمدی^۲، مالیات بر ارزش افزوده از نوع مصرف^۳.

مزایای مالیات بر ارزش افزوده عبارتند از: ایجاد منبع درآمدی با ثبات و انعطاف پذیر برای دولت، پایه مالیاتی گسترده، جلوگیری از فرار مالیاتی، خنثی بودن، تسهیل ورود به پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی مالیات بر ارزش افزوده. به علت گستردگی پایه مالیاتی و همچنین درآمد زایی بالای آن نسبت به انواع دیگر مالیات‌ها از اهمیت بسزایی برای دولت‌های کشورهای مختلف برخوردار است. اما به دلیل وجود اثرات توزیعی (انتقال بار مالیاتی) مالیات بر ارزش افزوده، این مالیات می‌تواند بر نحوه توزیع درآمد اثر گذار باشد بالاخص در شرایطی که مالیات فوق بر کالاها و خدمات ضروری که عمدتاً دارای کشش قیمتی تقاضای پایینی هستند وضع شود. در این شرایط پرداخت کنندگان عمده مالیات قشر کم درآمد جامعه هستند چرا که سهم کالاهای ضروری در بودجه خانوارهای کم درآمد در مقایسه با خانوارهای با درآمد بالا بیشتر است.

این مالیات همانند سایر مالیات‌ها دارای معایبی است که آثار تورمی یکی از آنها است. مطالعات انجام شده حاکی از آن است که اثر این مالیات بر روی تورم، موقتی است و در طول مدت کمتر از یک سال از

1 - Product type of Value Added Tax

2 - Income type of Value Added Tax

3 - Consumption type of Value Added Tax

بین خواهد رفت و مجدداً تعادل برقرار خواهد شد، مشروط بر آن که دولت در چار چوب یک برنامه مدون، همزمان با اجرای نظام مالیات بر ارزش افزوده، سیاست‌های مکمل را به کار گیرد و به موقع اقدامات پیشگیرانه را اطلاع رسانی و اجرا کند.

از معایب دیگر، آثار تنازلی مالیات بر ارزش افزوده است که یکی از انتقادات وارد شده بر این مالیات است که در مقایسه با مالیات‌های درآمد و مصرف، بیش‌تر موجب بی‌عدالتی مالیاتی می‌شود. به خصوص با فرض این که خانوارهای با درآمد پایین، سهم بیش‌تری از درآمدها را نسبت به خانوارهای با درآمد بالا مصرف می‌کنند.

وضع این نوع مالیات هنگامی که با یک نرخ واحد و پایه وسیع صورت گیرد، فشار مالیاتی بیش‌تری را بر خانوارهای با درآمد پایین وارد می‌کند و از آن جا که توزیع عادلانه درآمد همواره یکی از اهداف اقتصاد کلان و از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها بوده است، به همین دلیل در این بخش به توزیع درآمد و نظریه‌های مرتبط با آن نیز پرداخته می‌شود:

ابتدا لازم است درآمد را تعریف کنیم: درآمد، کل دریافتی یک شخص یا یک خانوار طی یک دوره معین است.

توزیع درآمد نیز از نظر اقتصادی و از آن جهت که نرخ پس انداز و در نتیجه سرمایه‌گذاری و تقاضا در بازارهای مختلف و دیگر عوامل اقتصادی را متأثر می‌کند حائز اهمیت است، چگونگی توزیع درآمد میان طبقات و گروه‌های اجتماعی یکی از مسائل اساسی اقتصادی- اجتماعی است، بنابراین لازم است به نحوه توزیع درآمد جامعه توجه بیشتری شود. نامتعادل بودن توزیع درآمد در جامعه از جمله مشکلاتی است که در کوتاه مدت اگر چه ممکن است نمودی عینی در مسائل روزمره کشور نداشته باشد، ولی تداوم آن در بلند مدت علاوه بر ایجاد فقر گسترده می‌تواند تنش‌های سیاسی ایجاد کند و منجر به بروز بحران‌ها و به خطر افتادن جدی امنیت سرمایه‌ها و ثروت‌های متراکم شود.

به طور کلی اقتصاددانان برای تحلیل و بررسی توزیع درآمد از دو مقیاس توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید (سهم نسبی عوامل تولید از کل تولید) و توزیع مقداری یا شخصی درآمد (که صرفاً با اشخاص یا خانواده‌ها و کل درآمدی که به آن‌ها تعلق می‌گیرد سر و کار دارد و متداولترین مقیاس است) استفاده می‌کنند. میزان نابرابری الگوی توزیع مقداری درآمد توسط شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد، اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص‌ها را می‌توان به دو دسته کلی شاخص‌های عینی و شاخص‌های ذهنی تقسیم کرد. شاخص‌های عینی از جمله معیارها و ضرایب آماری هستند که بدون در نظر گرفتن تابع رفاه

اجتماعی و فردی و ملاحظات ارزشی ناشی از آنها، میزان شدت پراکندگی درآمد در الگوی توزیع درآمد جامعه را اندازه‌گیری می‌کند) ضریب جینی، ضریب طول منحنی لورنز، شاخص تایل). در حالی که شاخص‌های ذهنی با اتکای مستقیم به تابع رفاه فردی و اجتماعی جامعه و ملاحظات ارزشی آن، اقدام به محاسبه شدت میزان پراکندگی درآمد در الگوی توزیع مقداری درآمد در جامعه مفروض می‌نماید) شاخص دالتون، شاخص اتکینسون، شاخص سن). در این مقاله از ضریب جینی برای اندازه‌گیری شاخص نابرابری استفاده شده است.

۳- پیشینه تحقیق

۳-۱- مطالعات انجام گرفته در داخل

طیب نیا و یزدان پناه (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان « بررسی اثرات احتمالی اجرای مالیات بر ارزش افزوده در ایران بر نابرابری » با استفاده از جدول داده و ستانده، اثر اجرای VAT را با محاسبه تغییرات شاخص قیمت و تأثیر آن بر الگوی تقاضای مصرفی خانوار بررسی کردند و نشان دادند که متغیر نابرابری در ایران تأثیر پذیری معنی‌داری از اجرای این مالیات در آینده نخواهد داشت.

وقوعی (۱۳۷۸) در پایان‌نامه خود با عنوان « تغییرات توزیع درآمد در اثر اعمال مالیات بر ارزش افزوده » به بررسی آثار توزیعی VAT بر روی ضریب جینی پرداخت و به این نتیجه رسید که اعمال مالیات بر ارزش افزوده در ایران خاصیت تنازلی دارد. لیکن به علت آن که کاهش ضریب جینی بسیار کم بوده می‌توان گفت خاصیت تنازلی حاصل از اجرای VAT بسیار کم است.

کیا (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان « بررسی و مقایسه اثرات مالیات و یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم بر توزیع درآمد در مناطق شهری ایران طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۷ » با استفاده از متغیرهایی چون لگاریتم مالیات مستقیم به تولید ناخالص ملی (Ldt)، لگاریتم مالیات غیرمستقیم به تولید ناخالص ملی (lidt)، لگاریتم یارانه مستقیم به تولید ناخالص ملی (Lds)، لگاریتم یارانه غیرمستقیم به تولید ناخالص ملی (lids)، لگاریتم هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی (IG) بر روی ضریب جینی نشان می‌دهد که مالیات‌های غیرمستقیم بر توزیع درآمد اثر گذار نیستند.

ناصری گلعدانی (۱۳۷۵) در تحقیق خود با عنوان « نقش مالیات در توزیع درآمد در خصوص ایران از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰ » با توجه به نقش مالیات به عنوان یکی از ابزارهای دولت در راستای تعدیل توزیع درآمد، رابطه تک تک انواع مالیات‌ها را با انواع شاخص‌های نابرابری بررسی نموده است. نتایج حاکی از

آن است که مالیات می‌تواند شاخص‌های نابرابری در توزیع درآمد را بهبود بخشد. اثر مالیات بر درآمد و مالیات بر مصرف بر روی ضریب جینی معکوس و اثر مالیات بر شرکت‌ها بر روی ضریب جینی مثبت است.

رفت(۱۳۸۳) در پایان‌نامه خود با عنوان «تأثیر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد در ایران طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۱» با استفاده از روش OLS به این نتیجه رسید که افزایش نسبت هزینه‌های عمرانی دولت به GDP و هزینه‌های جاری دولت به GDP باعث وخیم‌تر شدن توزیع درآمد می‌شود. افزایش نسبت مالیات‌های مستقیم به GDP منجر به بهبود توزیع درآمد می‌شود، اما افزایش نسبت مالیات‌های غیرمستقیم به GDP باعث بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود.

پژویان(۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تبعات اقتصادی مالیات بر ارزش افزوده در اقتصاد ایران» بیان می‌کند که تأثیر مالیات بر ارزش افزوده، بستگی به طراحی آن به خصوص در جایگزینی برای مالیات‌های دیگر دارد و از قبل قابل پیشگویی نیست. به عبارت دیگر آثار اجرای این مالیات بستگی به تنظیم قانون مالیاتی مربوطه دارد. آثار مثبت این مالیات خود به خود شکل نخواهد گرفت، بلکه ممکن است در اثر عدم کارایی در تنظیم قانون و سوء مدیریت، نتیجه‌ای معکوس و مخرب پدیدار شود.

قربانزاده(۱۳۸۳) در رساله خود با عنوان «بررسی ساختار نظام مالیاتی کشور و لزوم تغییر آن با معرفی مالیات بر ارزش افزوده» هدف از این پژوهش را آشنایی بیشتر با نظام مالیاتی و مشکلات پیش‌رو، بررسی امکان اجرای مالیات بر ارزش افزوده و در واقع امکان گسترده کردن پایه‌های مالیاتی موجود با انتقال مالیات از درآمد به مصرف معرفی می‌کند. با عنایت به این که هر پایه مالیاتی یک ظرفیت حداکثر دارد و تجاوز از آن به علت شتاب در کاهش فعالیت‌های اقتصادی سبب کاهش درآمدهای مالیاتی می‌شود، در نظام کنونی فشار مالیات‌ها بیشتر بر پایه مالیات بر شرکت‌ها و دستمزد حقوق است، بنابراین برقراری مالیات بر مصرف و هزینه (مالیات بر ارزش افزوده) می‌تواند پایه مالیاتی را گسترده‌تر نموده و علاوه بر کسب درآمدهای بیشتر، از فشار مالیاتی در برخی از پایه‌های موجود بکاهد.

۳-۲- مطالعات انجام گرفته در خارج

لارس- اریک بورگ و راتس^۱(۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان «توزیع درآمد و مالیات: امتحان تجربی از فرضیه فرملترز- ریچارد» با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی و تابع کاپ داگلاس نتیجه گرفتند که

توزیع نابرابر درآمد، بیشتر باعث انتقال بار مالیاتی از مالیات سرانه به مالیات بر دارایی می‌شود و در نتیجه باعث توزیع مجدد بیشتری می‌شود. انگل و راداتز و گالتوریک^۱ (۱۹۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «مالیات و توزیع درآمد در شیلی» تأثیر مستقیم مالیات بر توزیع درآمد را در سطح خانوار مورد بررسی قرار دادند و تأثیر توزیعی برخی تغییرات را در ساختار مالیاتی در سال ۱۹۹۶ برآورد کردند و با به کارگیری متغیرهایی چون درآمد (فردی، خانوار)، مالیات‌های مستقیم، مالیات بر ارزش افزوده، معافیت مالیاتی، سطح و وضعیت مصرف بر روی ضریب جینی به این نتیجه رسیدند که سیستم مالیاتی شیلی تأثیر مستقیم اندکی بر توزیع درآمد دارد. توزیع درآمد قبل و بعد مالیات تقریباً مشابه بودند. از طرفی رگرس در مالیات بر ارزش افزوده نشان می‌دهد که دهک‌های درآمدی بالا، سهم کمتری از درآمدشان را در VAT می‌پردازند اما به هر صورت ساختار مالیات در شیلی به شدت بر مالیات غیرمستقیم نظیر VAT تکیه دارد. جیسک و هوانگ^۲ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «مدل سازی مالیات بر ارزش افزوده با وجود چند محصول و بخشودگی‌های مالیاتی متفاوت» با استفاده از مدل تعادل عمومی پویا (CGE) به بررسی بین خانوارهای شهری و روستایی پرداخته‌اند. در این مقاله مدل مالیاتی، تأثیرات کلان اقتصادی، توزیعی و صنعتی و ساده کردن سیستم VAT ویتنام که پیچیده‌ترین ساختار در آسیای جنوب شرقی است را در پی دارد. ابتدا این سیستم با حذف معافیت‌های مالیاتی ساده شد که اثرات توزیعی آن در افراد فقیر روستایی به خوبی احساس شد و آن هم به دلیل سهم بالای برنج در بودجه این خانوارها بود که منجر شد سیاستی اتخاذ شود که اثرات توزیعی را کاهش دهد که از طریق حذف برنج و شلتوک از برنامه ساده سازی VAT بود.

تودر و روسن برگ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرات تحمیل مالیات بر ارزش افزوده به مالیات‌های جایگزین بر دستمزد و حقوق یا بر شرکت سهامی» برآوردهای تأثیرات درآمد از مالیات بر ارزش افزوده و کاهش در مالیات بر دستمزد و حقوق و درآمد شرکت سهامی، که مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند به طور بالقوه از لحاظ مالی تأمین نماید را مطرح کردند و به این نتیجه رسیدند که VAT می‌تواند برگشت کننده بوده، و بار مالیاتی را به تناسب در مالیات دهندگان کم درآمد نسبت به مالیات دهندگان پر درآمد، بالاتر ببرد.

1- Eduardo M.R.A. Engel, Alexander Galetovica, Claudio E. Raddatza

2- James A. Giesecke, Tran Hoang Nhi

کیین و لوک وود^۱ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «مالیات بر ارزش افزوده: علت‌ها و نتایج» نشان می‌دهند که مالیات بر ارزش افزوده، هزینه جانبی سرمایه‌های عمومی را تنها و تنها در صورتی کاهش می‌دهد که منجر به افزایش نرخ مالیات، در یک دولت در حال رشد شوند. این مقاله در یک پانل عظیم متشکل از ۱۴۳ کشور، در طول ۲۵ سال (۲۰۰۰-۱۹۷۵)، تخمینی از یک سیستم معادلات به دست آورد که احتمال به کارگیری VAT و تأثیر آن بر بازدهی را با استفاده از مدل OLS توصیف می‌کند. نتایج نشان دهنده این امر هستند که به کارگیری VAT موجب افزایش بازدهی و بهبود کارایی در بخش عمده‌ای از کشورهایی شده که آنرا به کار گرفته اند.

۴- بررسی روند متغیرهای تحقیق

در این بخش به مطالعه سهم مالیات بر ارزش افزوده از کل مالیات، سهم مالیات بر درآمد از کل مالیات، ضریب جینی طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ در برخی کشورهای منتخب می‌پردازیم:

با توجه به جدول (۱)، سهم مالیات بر ارزش افزوده از کل مالیات در اکثر کشورها روند افزایشی داشته است. در کشور هلند، مانند دیگر کشورهای پیشرفته صنعتی، مالیات بر ارزش افزوده، عمده‌ترین مالیات غیرمستقیم را تشکیل می‌دهد (بیات، ۱۳۸۷ الف: ۷۱). رشد این سهم طی این سال‌ها به میزان زیادی تحت تأثیر افزایش کسری بودجه دولت و درآمدزایی بیشتر بوده است. کشورهایی چون سوئد و فنلاند نیز جهت جبران هزینه‌های سوخت مورد نیاز خود (که از طریق واردات تأمین می‌شد) این سهم را افزایش دادند. نتایج نشان می‌دهد که بیشترین سهم، مربوط به کشور اسلواکی در سال ۲۰۰۵ به میزان ۵۴٪ و کمترین سهم مربوط به کشور استرالیا در سال ۲۰۰۵ به میزان ۰/۱۵ است.

جدول (۱) - سهم مالیات بر ارزش افزوده بر مالیات (به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰)

مالیات بر ارزش افزوده از کل مالیات	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
استرالیا	-	-	-	۰.۱۶	۰.۱۶	۰.۱۵
اتریش	۰.۲۷	۰.۲۵	۰.۲۷	۰.۲۷	۰.۲۷	۰.۳۰
بلژیک	۰.۲۶	۰.۲۵	۰.۲۷	۰.۲۷	۰.۲۷	۰.۲۷
بولیوی	-	-	۰.۳۹	۰.۴۰	۰.۳۳	۰.۳۴
دانمارک	۰.۳۱	۰.۳۲	۰.۳۳	۰.۳۳	۰.۳۲	-
فنلاند	۰.۳۲	۰.۳۴	۰.۳۵	۰.۳۷	۰.۳۷	۰.۳۸
فرانسه	۰.۳۸	۰.۳۸	۰.۳۹	۰.۴۱	۰.۴۰	۰.۴۱
آلمان	۰.۲۶	۰.۲۷	۰.۲۷	۰.۲۷	۰.۲۷	۰.۲۹
یونان	۰.۳۰	۰.۳۳	۰.۳۵	۰.۳۵	۰.۳۵	۰.۳۴
ایرلند	۰.۲۶	۰.۲۶	۰.۲۹	۰.۲۹	۰.۲۹	۰.۳۰
ایتالیا	۰.۲۵	۰.۲۴	۰.۲۵	۰.۲۴	۰.۲۵	۰.۲۶
لوکزامبورگ	۰.۲۰	۰.۲۱	۰.۲۱	۰.۲۲	۰.۲۴	۰.۲۴
هلند	۰.۲۹	۰.۳۱	۰.۳۱	۰.۳۳	۰.۳۳	۰.۳۱
نیوزلند	-	۰.۲۱	۰.۲۲	۰.۲۲	۰.۲۳	۰.۲۲
نروژ	۰.۳۲	۰.۳۳	۰.۳۲	۰.۳۲	۰.۳۰	۰.۲۷
لهستان	-	۰.۴۳	۰.۲۹	۰.۴۳	۰.۴۷	۰.۴۸
پرتغال	۰.۳۲	۰.۳۳	۰.۳۳	۰.۳۳	-	-
اسلواکی	-	-	-	۰.۴۱	۰.۴۷	۰.۵۴
اسپانیا	۰.۳۱	۰.۳۱	۰.۲۶	۰.۲۸	۰.۲۹	-
سوئد	۰.۳۲	۰.۳۸	۰.۴۷	۰.۴۶	۰.۴۵	۰.۴۴

منبع: GFS (Government Finance Statistics)

با توجه به جدول (۲)، سهم مالیات بر درآمد از کل مالیات در اکثر کشورها سیر صعودی داشته است. همان طور که می دانیم بخش وسیعی از درآمدهای مالیاتی را مالیات بر درآمد تشکیل داده است. عراق

نیست اگر گفته شود کلیه کشورها از این نوع مالیات استفاده می کنند. مالیات بر درآمد از مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی و حقیقی تشکیل می شود. در کشور دانمارک^۱، سیستم مالیاتی تصاعدی است.

جدول (۲) - سهم مالیات بر درآمد بر مالیات (به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰)

مالیات بر درآمد از مالیات	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
استرالیا	-	-	-	۶۹.۰۰	۶۹.۵۲	۷۱.۰۰
اتریش	۳۱.۰۰	۳۴.۴۰	۳۲.۴۶	۳۱.۵۸	۳۱.۹۳	۳۱.۸۸
بلژیک	۴۰.۰۴	۴۰.۵۴	۴۰.۷۲	۴۱.۰۹	۴۰.۰۰	۴۰.۵۶
بولیوی	-	-	۹.۸۷	۹.۳۶	۹.۹۶	۱۲.۲۶
دانمارک	۴۵.۳۶	۴۲.۵۳	۴۲.۶۰	۴۳.۳۸	۴۵.۰۷	-
فنلاند	۲۹.۵۰	۲۶.۲۱	۲۶.۴۶	۲۴.۵۲	۲۴.۴۴	۲۴.۱۵
فرانسه	۳۰.۰۷	۳۱.۰۰	۲۹.۳۷	۲۸.۳۵	۲۸.۶۵	۲۸.۹۰
آلمان	۲۰.۲۵	۱۸.۳۸	۱۷.۸۶	۱۷.۷۵	۱۷.۰۹	۱۷.۶۱
یونان	۳۰.۳۱	۲۷.۲۷	۲۷.۲۲	۲۶.۶۵	۲۸.۱۲	۲۹.۰۱
ایرلند	۴۴.۸۴	۴۵.۰۹	۴۳.۴۵	۴۲.۷۷	۴۲.۶۴	۴۱.۰۸
ایتالیا	۳۷.۴۷	۳۸.۶۹	۳۶.۵۶	۳۴.۳۸	۳۴.۷۴	۳۵.۲۱
لوکزامبورگ	۳۳.۵۴	۳۳.۷۷	۳۴.۱۵	۳۴.۰۱	۳۱.۲۷	۳۲.۸۱
هلند	۲۸.۸۳	۳۰.۲۷	۳۰.۶۲	۲۸.۶۰	۲۷.۷۸	۳۰.۳۷
نیوزلند	-	۵۸.۰۴	۵۷.۱۰	۵۷.۴۵	۵۷.۱۶	۵۹.۸۷
نروژ	۴۷.۲۵	۴۶.۲۲	۴۶.۰۵	۴۵.۳۳	۴۸.۶۲	۵۱.۳۸
لهستان	-	۱۷.۲۵	۱۷.۶۸	۱۵.۸۷	۱۳.۳۰	۱۴.۲۶
پرتغال	۳۱.۶۷	۳۰.۴۴	۲۸.۳۲	۲۶.۲۰	-	-
اسلواکی	-	-	-	۱۹.۳۷	۱۶.۸۹	۱۱.۲۶
اسپانیا	۳۱.۸۹	۳۱.۹۵	۳۴.۳۷	۳۳.۲۴	۳۱.۹۱	-
سوئد	۲۳.۱۶	۲۵.۴۹	۷.۰۴	۸.۲۲	۱۱.۲۰	۱۳.۵۶

منبع: WDI (World Development Indicators, 2008)

۱- کتابچه «مالیات در دانمارک مخصوص شهروندان جدید»، نوامبر ۲۰۰۵، www.skat.ir

یعنی هر چه درآمد شخص بیشتر باشد، درصد مالیات بر درآمد افزایش می یابد، به عبارت دیگر درصدی از درآمد که مالیات بر مبنای آن محاسبه می شود، افزایش می یابد. به طور مثال، در کشور هلند به دلیل افزایش دستمزد و حقوق، این سهم افزایش پیدا کرده است. بیشترین و کمترین سهم مالیات بر درآمد از کل مالیات را به ترتیب کشور استرالیا در سال ۲۰۰۵ به میزان ۷۱٪ و کشور سوئد در سال ۲۰۰۲ به میزان ۷/۰۴٪ دارا هستند.

جدول (۳) - ضریب جینی

۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	ضریب جینی
-	۰.۲۹	-	۰.۳۱	۰.۳۱	۰.۳۱	استرالیا
۰.۲۶	۰.۲۶	۰.۲۷	-	۰.۲۴	۰.۲۴	اتریش
۰.۲۸	۰.۲۶	۰.۲۸	-	۰.۲۹	۰.۳۰	بلژیک
-	۰.۵۱	-	۰.۶۰	-	۰.۵۳	بولیوی
۰.۲۴	۰.۲۴	۰.۲۵	-	۰.۲۲	-	دانمارک
۰.۲۶	۰.۲۵	۰.۲۶	۰.۲۶	۰.۲۴	۰.۲۴	فنلاند
۰.۲۸	۰.۲۸	۰.۲۷	۰.۲۷	۰.۲۸	۰.۲۸	فرانسه
-	۰.۳۱	۰.۳۱	۰.۳۲	۰.۳۰	۰.۳۰	آلمان
۰.۳۳	۰.۳۳	۰.۳۵	-	۰.۳۲	۰.۳۲	یونان
۰.۳۲	۰.۳۲	۰.۳۱	-	۰.۲۹	۰.۳۰	ایرلند
۰.۳۳	۰.۳۳	-	۰.۳۳	۰.۲۹	۰.۳۰	ایتالیا
۰.۲۶	۰.۲۶	۰.۲۸	۰.۲۹	۰.۲۷	۰.۲۶	لوکزامبورگ
۰.۲۷	-	۰.۲۷	۰.۲۷	۰.۲۶	۰.۲۶	هلند
-	۰.۳۴	-	-	۰.۳۴	-	نیوزلند
۰.۲۸	۰.۲۵	۰.۲۷	۰.۲۹	۰.۲۷	۰.۲۷	نروژ
۰.۳۷	۰.۳۷	۰.۳۵	۰.۳۵	۰.۳۴	۰.۳۴	لهستان
۰.۳۸	۰.۳۸	-	-	۰.۳۷	۰.۳۵	پرتغال
۰.۲۶	۰.۲۵	۰.۲۶	۰.۲۶	۰.۲۶	۰.۲۴	اسلواکی
۰.۳۲	۰.۳۱	۰.۳۲	۰.۳۱	۰.۳۲	۰.۳۲	اسپانیا
۰.۲۳	۰.۲۳	۰.۲۵	۰.۲۶	۰.۲۶	۰.۲۹	سوئد

http://www.wider.unu.edu/home/en_GB/index/.

با توجه به جدول (۳)، طی سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، ضریب جینی (GINI) (مهم ترین شاخص نابرابری درآمد) در کشورهایی چون استرالیا، سوئد کاهش یافته که نشان دهنده بهبود شرایط توزیع درآمدی است، چون دولت طی این سال ها توانسته است با اتخاذ سیاست های مناسب، تورم را که اثر توزیعی مخرب دارد در محدوده ۲-۳٪ حفظ کند (بیات، ۱۳۸۷: ۶۶). اما در فرانسه از سال ۲۰۰۴ به دلیل خاصیت تنازلی VAT، بار مالیاتی گروه های درآمدی پائین، بیشتر از گروه های درآمدی بالا شد و نابرابری افزایش یافت. بالاترین ضریب جینی در میان این کشورها را بولیوی به میزان ۶۰٪ و کمترین ضریب جینی را دانمارک به میزان ۲۲٪ در سال ۲۰۰۱ داشته اند. این بدان معنی است که نابرابری درآمد در بولیوی بیشترین و در دانمارک کمترین میزان بوده است. همان طور که می دانیم ضریب جینی بالاتر، نابرابری بیشتر و ضریب جینی پائینتر، نابرابری کمتر را نشان می دهد.

۵- روش تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه بر اساس مدل های مبتنی بر اطلاعات داده های تلفیقی^۱ و با استفاده از نرم افزار Eviews 6 صورت گرفته است. انتخاب این روش به دلیل آن است که در بررسی هایی که چندین کشور، بنگاه، خانوار و... در سری زمانی مورد مطالعه قرار می گیرد، از این شیوه اقتصادسنجی استفاده می شود. پژوهش حاضر مطالعه ای بین کشوری و در دوره زمانی مشخص است، بنابراین روش داده های تلفیقی به منظور برآورد مدل به کار گرفته می شود.

برآورد و تخمین مدل :

در این قسمت به بررسی مدل مورد نظر پرداخته می شود. در مدل این تحقیق، کشورها بر حسب درآمد سرانه شان، به دو گروه پر درآمد و کم درآمد تقسیم شده اند. مدل برآورد شده، برای ۱۰ کشور با درآمد بالا (دانمارک، لوکزامبورگ، آلمان، فرانسه، ایتالیا، استرالیا، هلند، بلژیک، اتریش، نروژ)، و ۱۰ کشور با درآمد پائین (یونان، فنلاند، پرتغال، ایرلند، نیوزلند، اسلواکی، بولیوی، لهستان، اسپانیا، سوئد) تخمین زده می شود.

متغیرهای به کار گرفته شده در کشورهای با درآمد بالا :

(Vat/Tax) : سهم مالیات بر ارزش افزوده از کل مالیات

(TaxRE/Tax) : سهم مالیات بر درآمد از کل مالیات

(Inflation) : تورم^۱

(GNI) : درآمد سرانه

(GINI) : ضریب جینی

معادله به کار رفته در این کشورها به صورت مقابل است :

$$\text{GINI} = (\text{vat/Tax}, \text{TaxRE/Tax}, \text{Inflation}, \text{GNI})$$

مدل فوق برای کشورهای با درآمد بالا تخمین زده شد که به شرح زیر است:

$$\log(\text{GINI})_{it} = 3.184 - 0.151 \log(\text{Vat/Tax})_{it} - 0.011 \log(\text{TaxRE/Tax})_{it} - 0.018D(\text{inflation})_{it}$$

$$t \quad (25.505) \quad (-3.496) \quad (-3.428) \quad (-12.994)$$

$$+ 4.65E-06(\text{GNI})_{it}$$

$$(3.140)$$

$$R^2 = 0.93$$

$$D.W = 2.02$$

بررسی ضرایب به لحاظ آماری نشان می‌دهد که تمامی ضرایب مدل در سطح ۹۳٪ معنی‌دار هستند و این نشان می‌دهد که این متغیرها بر توزیع درآمد در این سال‌ها تاثیر گذار بوده اند. قدرت توضیح دهنده‌گی (R^2) این مدل برابر ۰/۹۳ است، بدین معنی که ۹۳ درصد تغییرات ضریب جینی توسط متغیرهای توضیحی این مدل بیان می‌شود. آماره دوربین- واتسن در این مدل برابر با ۲/۰۲ است که نشان دهنده عدم وجود خودهمبستگی در مدل است.

آزمون F برای کشورهای با درآمد بالا در مدل برآورد شده حاکی از آن است که $F(9,32)=8.12$ که این آماره F از آماره F جدول بیشتر است، که این امر گویای رد فرض H_0 بوده؛ بنابراین از عرض

۱- تأثیر تورم بر توزیع درآمد ملی واقعی در سطح کلان منفی است. تحت این شرایط توزیع درآمد ملی به نفع گروه درآمدهای ناشی از سود یا سرمایه‌داران و به ضرر گروه درآمدی ثابت یا حقوق بگیران و بسیاری از صاحبان مشاغل و حرف خرد، تغییر می‌کند. بدین ترتیب روشن است که عامل تورم چگونه می‌تواند در توزیع درآمدها و ثروت‌ها مداخله کرده و موجب افزایش اختلافات و فواصل طبقاتی و گسترش بی‌عدالتی‌های اقتصادی و اجتماعی شود.

از مبداهای متفاوت استفاده می‌شود. در آزمون هاسمن نیز $Prop=0/007$ با احتمال ۹۰ درصد استفاده از روش اثرات ثابت را برای تخمین مدل تأیید می‌کند.

بررسی رابطه سهم مالیات بر ارزش افزوده از مالیات بر متغیر وابسته (ضریب جینی)، نشان می‌دهد که این متغیر با ضریب جینی رابطه معکوس دارد، به عبارتی هرچه این متغیر افزایش یابد، ضریب جینی کاهش می‌یابد. در واقع با ۱٪ افزایش در سهم مالیات بر ارزش افزوده از مالیات، نابرابری درآمد به میزان ۰/۱۵٪ کاهش می‌یابد.

همچنین رابطه سهم مالیات بر درآمد از مالیات بر ضریب جینی، نیز نشان می‌دهد که این متغیر با ضریب جینی رابطه معکوس دارد، به عبارتی هر چه این متغیر افزایش یابد، ضریب جینی کاهش می‌یابد و نابرابری درآمد در کشورهای پر درآمد، کمتر می‌شود. در واقع با ۱٪ افزایش در سهم مالیات بر درآمد از مالیات، نابرابری درآمد به میزان ۰/۱۱٪ کاهش می‌یابد. عمده‌تألیات‌های مستقیم را مترادف با مالیات بر درآمد می‌دانند و چون این مالیات مستقیماً بر منبع درآمد وضع می‌شود، قشرهای پر درآمد مالیات بیشتری را نسبت به قشرهای کم درآمد می‌پردازند، به عبارتی این نوع از مالیات مستقیماً و متناسب با درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی، به منظور ایجاد برابری، وضع می‌شود.

بررسی رابطه تورم بر ضریب جینی نیز نشان می‌دهد که هر چه این متغیر افزایش یابد، ضریب جینی کاهش می‌یابد و نابرابری درآمد کمتر می‌شود. به عبارتی با ۱٪ افزایش در تورم، نابرابری درآمد، به میزان ۰/۱۸٪ کاهش می‌یابد. همانطور که می‌دانیم تورم افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها است. مهم‌ترین اثر و نتیجه تورم، توزیع مجدد درآمدهای اسمی و واقعی است. در شرایط تورمی، تغییر در درآمدها و قیمت‌ها یکنواخت نیست. قیمت برخی از کالاها و درآمد برخی از گروه‌های جامعه، افزایش می‌یابد. بدین ترتیب موضوع اصلی در مورد آثار تورم بر توزیع درآمدها، تعیین پرداخت کننده نهایی بهای تورم است. هر اندازه بضاعت و قدرت مالی گروه‌ها بیشتر باشد، از آثار و عواقب آن بیشتر در امان خواهند بود. از همین رو گفته می‌شود که:

«تورم اغنیا را غنی‌تر و فقرا را فقیرتر می‌نماید». از آن‌جا که به طور معمول تعداد حقوق بگیران و به طور کلی افرادی که در گروه درآمدی ثابت قرار دارند و تعداد صاحبان مشاغل و حرف خرد که به دلیل رقابت شدید یا وجود مازاد عرضه، قدرت انتقال تورم را ندارند، از تعداد سرمایه داران و صاحبان ابزار تولید بیشتر است؛ تأثیر تورم بر توزیع درآمد ملی واقعی در سطح کلان منفی است. تحت این شرایط توزیع درآمد ملی به نفع گروه درآمدهای ناشی از سود یا سرمایه داران و به ضرر گروه درآمدی ثابت یا

حقوق بگیران و بسیاری از صاحبان مشاغل و حرف خرد، تغییر می‌کند. بدین ترتیب روشن است که عامل تورم چگونه می‌تواند در توزیع درآمدها و ثروت‌ها مداخله کرده و موجب افزایش اختلافات و فواصل طبقاتی و گسترش بی‌عدالتی‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود. البته در کشورهای پر درآمد، دولت‌ها با به کارگیری سیاست‌هایی به مهار تورم پرداختند، در نتیجه شکاف درآمدی کاهش داشته است.

بررسی رابطه سرانه درآمد ناخالص ملی (درآمد سرانه) بر ضریب جینی، نشان می‌دهد که این متغیر با ضریب جینی رابطه مستقیم دارد، به عبارتی هرچه این متغیر افزایش یابد، ضریب جینی نیز افزایش می‌یابد و نابرابری درآمد در کشورهای با درآمد بالا بیشتر می‌شود. درآمد سرانه یکی از مهمترین شاخص‌های رفاه جامعه و نیز شاخصی برای درآمد خانوار است. ممکن است عده‌ای از افراد جامعه مقدار ناچیزی از این درآمد نصیبشان شود و عده‌ای هم مقدار بسیار زیادی از این درآمد نصیبشان شود، که این خود منجر به شکاف طبقاتی می‌شود و ضریب جینی را متأثر می‌سازد و باعث می‌شود شرایط توزیع در جامعه خراب شود.

متغیرهای به کار گرفته شده در کشورهای با درآمد پائین :

(Vat/Tax) : سهم مالیات بر ارزش افزوده از کل مالیات

(TaxRE/Tax) : سهم مالیات بر درآمد از کل مالیات

(Inflation) : تورم

(Life) : امید به زندگی

(GNI) : سرانه درآمد ناخالص ملی به قیمت ثابت

(GINI) : ضریب جینی

معادله به کار رفته در این کشورها به صورت مقابل است :

$$\text{GINI}=(\text{vat/Tax} , \text{TaxRE/Tax}, \text{Inflation}, \text{Life}, \text{GNI})$$

مدل فوق برای کشورهای با درآمد پائین تخمین زده شد که به شرح زیر است:

$$(GINI)_{it} = -131.36 + 6.183 (\text{vat/Tax})_{it} - 1.35E-09 (\text{tax RE/Tax})_{it} + 0.236 D(\text{inflation})_{it} + 2.247 t$$

(3.383) (1.945) (-2.303) (-2.730)

$$(\text{life})_{it} - 0.0004 (GNI)_{it}$$

(3.463) (-3.941)

$$R^2 = 0.98$$

$$D.W = 2.01$$

بررسی ضرایب به لحاظ آماری نشان می‌دهد که تمامی ضرایب مدل در سطح ۹۸٪ معنی‌دار هستند و این نشان می‌دهد که تمامی این متغیرها بر توزیع درآمد در این سال‌ها تأثیر گذار بوده‌اند. قدرت توضیح دهنده‌گی (R^2) این مدل برابر ۰/۹۸ است، بدین معنی که ۹۸ درصد تغییرات ضریب جینی توسط متغیرهای توضیحی این مدل بیان می‌شود. آماره دوربین-واتسن در این مدل برابر با ۲/۰۱ است که نشان دهنده عدم وجود خودهمبستگی در مدل است.

آزمون F برای کشورهای با درآمد پائین در مدل برآورد شده حاکی از آن است که $F(9,18)=54.16$ که این آماره F از آماره F جدول بیشتر است، که این امر گویای رد فرض H_0 بوده؛ بنابراین از عرض از مبدهای متفاوت استفاده می‌شود. در آزمون هاسمن نیز $\text{prob}=0/000$ با احتمال ۹۰ درصد استفاده از روش اثرات ثابت را برای تخمین مدل تأیید می‌کند.

بررسی رابطه سهم مالیات بر ارزش افزوده از مالیات بر متغیر وابسته (ضریب جینی)، نشان می‌دهد که این متغیر با ضریب جینی رابطه مستقیم دارد، به عبارتی هرچه این متغیر افزایش یابد، ضریب جینی نیز افزایش می‌یابد و نابرابری درآمد در کشورهای با درآمد پائین بیشتر می‌شود. در واقع با ۱٪ افزایش در سهم مالیات بر ارزش افزوده از مالیات، نابرابری درآمد به میزان ۶/۱۸۳٪ افزایش می‌یابد. این نوع مالیات اغلب طبیعت تنازلی دارد، در نتیجه بار بیشتر این مالیات، بر دوش افراد کم درآمد سنگینی می‌کند و تأثیر نامطلوبی بر توزیع درآمد دارد.

همچنین بررسی رابطه سهم مالیات بر درآمد از مالیات بر ضریب جینی نشان می‌دهد که این متغیر با ضریب جینی رابطه معکوس دارد، به عبارتی هرچه این متغیر افزایش یابد، ضریب جینی کاهش

می‌یابد و نابرابری درآمد در کشورهای با درآمد پائین کمتر می‌شود. در واقع با ۱٪ افزایش در سهم مالیات بر درآمد از مالیات، نابرابری درآمد به میزان $1.35E-09$ ٪ کاهش می‌یابد. مالیات بر درآمد، به این دلیل که متناسب با درآمد فرد وضع می‌شود، بر دوش افراد پردرآمد سنگینی می‌کند، اما در کاهش نابرابری توزیع درآمد مؤثر است.

بررسی رابطه تورم بر متغیر وابسته (ضریب جینی)، نشان می‌دهد که این متغیر با ضریب جینی رابطه مستقیم دارد، به عبارتی هرچه این متغیر افزایش یابد، ضریب جینی نیز افزایش می‌یابد و نابرابری درآمد در کشورهای با درآمد پائین بیشتر می‌شود. با ۱٪ افزایش در تورم، نابرابری درآمد به میزان 0.23 ٪ افزایش می‌یابد. تورم به بستانکاران و پس اندازکنندگان زیان و به بدهکاران سود می‌رساند. هنگامی که سطح عمومی قیمت‌ها به طور مستمر بالا می‌رود، بستانکاران به نفع بدهکاران در وضع نامساعدی قرار می‌گیرند در زمان رشد تورم، دهک‌ها و اقشاری که قدرت مالی و اقتصادی کمتری دارند، برای گرفتن دستمزد یا پول بیشتر، قدرت چانه‌زنی کمتری خواهند داشت و در نتیجه قادر به تغییر درآمدهای خود نیستند. بنابراین تورم فشار بیشتری وارد می‌کند و در نتیجه ضریب جینی افزایش خواهد یافت.

همچنین بررسی رابطه امید به زندگی بر ضریب جینی نشان می‌دهد که این متغیر با ضریب جینی رابطه مستقیم دارد، به عبارتی هرچه این متغیر افزایش یابد، ضریب جینی افزایش می‌یابد و نابرابری درآمد در کشورهای با درآمد پائین بیشتر می‌شود. در واقع با ۱٪ افزایش در امید به زندگی، نابرابری درآمد به میزان $2/247$ ٪ افزایش می‌یابد. هر چه شاخص‌های بهداشتی و همچنین درمانی بهبود یابد، امید به زندگی افزایش خواهد یافت، در نتیجه قدرت تصمیم‌گیری افراد بالاتر می‌رود، اختلاف طبقاتی کاهش می‌یابد. اما در کشورهای کم درآمد به دلیل پائین بودن شاخص‌های بهداشتی و دسترسی نداشتن به این امکانات، خلاف این امر را شاهد هستیم.

بررسی رابطه سرانه درآمد ناخالص ملی (درآمد سرانه) بر ضریب جینی، نشان می‌دهد که این متغیر با ضریب جینی رابطه معکوس دارد، به عبارتی هرچه این متغیر افزایش یابد، ضریب جینی کاهش می‌یابد و نابرابری درآمد در کشورهای با درآمد پائین کمتر می‌شود. با ۱٪ افزایش در سرانه درآمد ناخالص ملی (به قیمت ثابت)، نابرابری درآمد به میزان 0.0004 ٪ کاهش می‌یابد. درآمد سرانه یکی از مهمترین شاخص‌های رفاه جامعه و نیز شاخصی برای درآمد خانوار است.

۶- نتیجه گیری

با توجه به جایگاهی که مالیات بر ارزش افزوده در کل نظام مالیاتی داشته و به آن اشاره شد، ملاحظه می شود که طی سال‌های اخیر، سهم مالیات بر ارزش افزوده از مالیات در ۲۰ کشور منتخب که بر آنها مالیات بر ارزش افزوده اعمال شده است طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، افزایش یافته است و بیشترین سهم، مربوط به کشور اسلواکی در سال ۲۰۰۵ به میزان ۵۴٪ است. اگر چه در ادبیات اقتصاد بخش عمومی، مالیات بر ارزش افزوده بر پایه هزینه است و نرخ تنازلی دارد، انتظار می‌رود شرایط توزیعی در جوامع را نابرابر تر کند. اما در دنیای واقعی، عوامل دیگری نیز می‌تواند شرایط توزیعی در جوامع را متأثر سازد. مدل برآورد شده در این مطالعه، برای ۱۰ کشور با درآمد بالا و ۱۰ کشور با درآمد پائین بر روی ضریب جینی تخمین زده شد. نتیجه حاصل از برآورد مدل در کشورهای پر درآمد، نشان می‌دهد که هر چه سهم مالیات بر ارزش افزوده از کل مالیات افزایش می‌یابد، ضریب جینی نیز کاهش می‌یابد و توزیع درآمد بهتر می‌شود. اما برآورد مدل در کشورهای کم درآمد، رابطه مثبت و معنی‌دار بین مالیات بر ارزش افزوده و توزیع درآمد را نشان می‌دهد. به عبارتی هر چه سهم مالیات بر ارزش افزوده از کل مالیات افزایش می‌یابد، ضریب جینی نیز افزایش می‌یابد و توزیع درآمد بدتر می‌شود. از این رو چون کشور ایران از جمله کشورهای کم درآمد به حساب می‌آید، دولت باید با برقراری مالیات‌های جدید (مالیات بر ارزش افزوده) بر روی کالاهایی که در کشور مصرف عمومی دارند، متناسب با کشش‌های قیمتی و درآمندی آنها قدم بر دارد.

فهرست منابع

- ۱- اشرف زاده، حمیدرضا، نادر مهرگان (۱۳۸۷)، اقتصاد سنجی پانل دیتا، موسسه تحقیقات تعاون، دانشگاه تهران.
- ۲- ابراهیمی، سمیه (۱۳۸۸) رابطه بین توزیع در آمد و رشد اقتصادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- ۳- پژوهشگران، جمشید (۱۳۸۰) بررسی تبعات اقتصادی مالیات بر ارزش افزوده در اقتصاد ایران، پژوهش نامه اقتصادی، پژوهشکده امور اقتصادی و دارائی، شماره ۱.
- ۴- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، غلامعلی فرجادی (۱۳۷۸)، موسسه پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، تهران، ص ۱۴۷-۱۴۵.
- ۵- رفعت، راحله (۱۳۸۳)، اثر سیاستهای مالی بر توزیع درآمد در ایران طی سالهای ۱۳۸۱-۱۳۵۸، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده علم اجتماعی و اقتصاد.
- ۶- صیامی نمینی، سیما (۱۳۸۲)، در آمدی بر مالیات بر ارزش افزوده در نگاهی تازه.
- ۷- ضیائی بیگدلی، محمد تقی (۱۳۸۳)، جایگاه مالیات بر ارزش افزوده در اصلاح نظام مالیاتی، مجلس و پژوهش، سال ۱، شماره ۴۵.
- ۸- طهماسبی بلداجی، فرهاد، اسماعیل افضلی، رضا بوستانی (۱۳۸۳)، نگرشی به مالیات بر ارزش افزوده و چگونگی اجرای آن در ایران، دفتر طرح مالیات بر ارزش افزوده.
- ۹- طیب نیا، علی، محسن یزدان پناه (۱۳۸۴)، بررسی اثرات احتمالی اجرای مالیات بر ارزش افزوده در ایران بر نابرابری، تحقیقات اقتصادی.
- ۱۰- قربانزاده، زهرا (۱۳۸۳)، بررسی ساختار نظام مالیاتی کشور و لزوم تغییر آن با معرفی مالیات بر ارزش افزوده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- ۱۱- کیا، محمد (۱۳۸۹)، بررسی و مقایسه اثرات مالیات و یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم بر توزیع درآمد در مناطق شهری ایران طی سال های ۱۳۸۵-۱۳۵۷، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- ۱۲- ناصری گلعدانی، رسول (۱۳۷۵)، نقش مالیات در توزیع درآمد در خصوص ایران از سال ۱۳۷۰-۱۳۵۰، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

- ۱۳- وقوعی، هاترا(۱۳۷۸)، تغییرات توزیع درآمد در اثر اعمال مالیات برارزش افزوده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۴- بیات، نصر ا... (۱۳۸۷ الف)، کتاب سبز هلند، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۷۱.
- ۱۵- بیات، نصر ا... (۱۳۸۷ ب)، کتاب سبز استرالیا، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۶۸.
- ۱۶- بیات نصر ا... (۱۳۸۷ ج)، کتاب سبز سوئد، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۶۶.
- ۱۷- کتابچه «مالیات در دانمارک مخصوص شهروندان جدید»، نوامبر ۲۰۰۵، www.skat.ir.
- 18-. Eduardo M.R.A. Engel a,b, Alexander Galetovic a.), Claudio E. Raddatz a(1999), "Taxes and income distribution in Chile: some unpleasant redistributive arithmetic", Journal of Development Economics Vol. 59 _1999. 155–192 a Centro de Economía Aplicada (CEA), Dep. Ing. Industrial, Uniférsidad de Chile. República 701,Santiago, Chileb National Bureau of Economic Research, Cambridge, MA, USA
- 19-. Eric Toder and Joseph Rosenberg (2010),"EFFECTS OF IMPOSING A VALUE-ADDED TAX TO REPLACE PAYROLL TAXES OR CORPORATE TAXES "Institute Fellow, Urban Institute , Research Associate, Urban-Brookings Tax Policy Center.
- 20-. James A. Giesecke, Tran Hoang Nhi(2010)," Modelling value-added tax in the presence of multi-production and differentiated exemptions ",Journal of Asian Economics 21, 156–173.
- 21- Lars- Erik Borge, J.rn Ratts(2004), " Income distribution and tax structure : Empirical test of the Meltzer-Richard hypothesis", European Economic Review 48.

22-Michael Keen and Ben Lockwood (2007), " The Value-Added Tax: Its Causes and Consequences, "Fiscal Affairs Department, International Monetary Fund(IMF).

23- CD ROME : WDI (world development indicators 2008)

24- CD ROME: GFS (Government finance statistics)

25-UNU-WIDER:United Nations University-World Institute for Development Economics Research, UNU-WIDER. *World IncomeInequality Database (WIID)*,

26-http://www.wider.unu.edu/home/en_GB/index/.

